

رشد کشورهای شرقی تهدیدی جدی برای غرب درباره همکاری کره شمالی، روسیه، ایران و چین چه می‌دانیم؟

چین، روسیه، ایران و کره شمالی به طور فزاینده‌ای به روش‌هایی با هم همکاری می‌کنند که ایالات متحده و حکومت جهانی را به چالش می‌کشد. دیارتمان ژئوپلیتیک و سیاست خارجی CSIS مجموعه‌ای از خلاصه‌ها را منتشر کرد که از داده‌ها برای تجزیه و تحلیل ماهیت و درجه همسویی CRINK در حوزه‌های اقتصادی، دیپلماتیک و امنیتی استفاده می‌کند. این مجموعه با استفاده از داده‌های جمع‌آوری شده در آن گزارش‌ها، بینش‌های کلیدی را برجسته می‌کند و بر چگونگی تقویت همکاری CRINK توسط چین و روسیه و چگونگی تسریع همسویی بین این چهار کشور توسط جنگ روسیه در اوکراین تمرکز دارد.

◀ **CRINK در یک نگاه**

چین، روسیه، ایران و کره شمالی تمایل مشترکی برای به چالش کشیدن نفوذ ایالات متحده و غرب دارند. در مجموع، آنها می‌توانند قدرت قابل توجهی را در صحنه جهانی به نمایش بگذارند. کشورهای CRINK بیش از یک پنجم جمعیت جهان را در خود جای داده‌اند و یک چهارم تولید ناخالص داخلی جهانی را تولید می‌کنند. از نظر نظامی، این چهار کشور تقریباً یک پنجم هزینه‌های دفاعی جهان را به خود اختصاص می‌دهند و روسیه، چین و کره شمالی در مجموع بیش از نیمی از کل سلاح‌های هسته‌ای را در اختیار دارند. در حالی که کشورهای CRINK هدف مشترکی برای تضعیف نفوذ غرب دارند، از چندین جنبه با یکدیگر تفاوت‌های زیادی دارند که به عدم تقارن قابل توجه قدرت منجر می‌شود. اقتصاد چین تقریباً ۹ برابر بزرگتر از روسیه، ۴۳ برابر بزرگتر از ایران و تقریباً ۱۱۰۰ برابر اقتصاد کره شمالی است. ارتش‌های آنها نیز تفاوت‌های زیادی دارند. چین و روسیه بسیار بیشتر از دیگران برای دفاع هزینه می‌کنند و ایران به عنوان تنها کشور از این چهار کشور که فاقد سلاح هسته‌ای است، برجسته است. ایران همچنین از نظر جغرافیایی از سایر کشورهایی که در شمال شرقی آسیا مرز مشترک دارند، جدا شده است. عدم تقارن قدرت بین کشورهای CRINK در روابط تجاری آنها مشهود است. تجارت بین چین و روسیه با بیش از ۲۴۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۴، به طور چشمگیری از تجارت دوجانبه بین سایر جفت‌های CRINK پیشی می‌گیرد. بزرگترین رابطه تجاری بعدی بین چین و ایران است. طبق داده‌های رسمی گمرک، تجارت آنها در سال ۲۰۲۴ حدود ۱۳ میلیارد دلار بوده است، اما این رقم تقریباً ۲۹ میلیارد دلار نفت تحریم شده را که ایران از طریق کشورهای واسطه به چین صادر می‌کند، شامل نمی‌شود. تجارت دوجانبه روسیه و کره شمالی در به‌جوبه همکاری‌های فزاینده در طول جنگ اوکراین به طور قابل توجهی افزایش یافته است، اما از زمانی که دو کشور گزارش آمار تجارت دوجانبه را در سال ۲۰۲۲ متوقف کردند، ارقام دقیقی در دسترس نیست.

◀ **نفت دریایی روسیه و ایران**

انرژی به ویژه از زمان حمله روسیه به اوکراین در فوریه ۲۰۲۲، به یک حوزه کلیدی همکاری اقتصادی بین کشورهای عضو CRINK تبدیل شده است. پس از تحریم‌های انرژی غرب علیه روسیه، چین خرید نفت با تخفیف از روسیه را افزایش داد و بودجه مورد نیاز مسکو برای جنگ را تأمین کرد. در نیمه اول سال ۲۰۲۵، چین به طور متوسط یک و نیم میلیون بشکه نفت در روز از روسیه وارد کرد. افزایشی ۸۰ درصدی نسبت به مدت مشابه شش‌ماهه در سال ۲۰۲۱. واردات نفت ایران توسط چین در همین بازه زمانی حتی ۴۰ درصد افزایش یافت و به ایران در به‌جوبه تحریم‌های شدید غرب، یک راه نجات اقتصادی ارائه داد. چین همچنین با ارائه کالاهای در منظوره که هم کاربردهای نظامی و هم تجاری دارند، در تداوم جنگ روسیه در اوکراین نقش حیاتی داشته است. اندکی پس از حمله روسیه به اوکراین در سال ۲۰۲۲، چین به سرعت صادرات «اقلام با اولویت بالا» به روسیه را افزایش داد، مجموعه‌ای از ۵۰ کالای کلیدی دو منظوره که بر اساس سطح خطری که ایجاد می‌کنند به چهار سطح تقسیم می‌شوند. طبق داده‌های گمرک چین، بخش عمده صادرات چین به روسیه کالاهای «سطح ۳» شامل قطعات الکترونیکی و مکانیکی برای سیستم‌های تسلیحاتی بود. با این حال، صادرات کالاهای «سطح ۴» چین جهش بسیار بیشتری را تجربه کرد. به طور خاص، کالاهای سطح ۴B – که شامل ماشین‌آلات و قطعات برای تولید دقیق است – در مقایسه با ژانویه ۲۰۲۱ بیش از ۳ هزار درصد افزایش یافت و به روسیه در تولید مواد برای پشتیبانی از تلاش‌های جنگی کمک کرد.

◀ **انتقال خالص تسلیحات**

انتقال تسلیحات نظامی از زمان آغاز جنگ در اوکراین، به عنوان یکی دیگر از زمینه‌های کلیدی تسریع‌کننده همکاری CRINK ظهور کرده است. از نظر تاریخی، روسیه تأمین‌کننده اصلی تسلیحات برای ایران، کره شمالی و به ویژه چین بود، اما این روند کاملاً معکوس شده است. همزمان با اینکه کره شمالی و ایران برای ادامه جنگ در اوکراین شروع به ارسال تسلیحات به روسیه کردند، روسیه از یک تأمین‌کننده تسلیحات برای سایر کشورهای CRINK به یک واردکننده خالص سلاح از آنها تبدیل شد. کره شمالی میلیون‌ها گلوله توپخانه، موشک بالستیک و سایر سیستم‌ها را به روسیه عرضه کرده و ایران موشک‌های بالستیک، پهپاد‌های مسلح و سایر تجهیزات را در اختیار روسیه قرار داده است. این داده‌ها نشان می‌دهد که کشورهای CRINK بازیگران متعددی نیستند و تفاوت‌های قابل توجهی در توانایی‌ها و تمایل آنها برای مشارکت در انواع مختلف همکاری وجود دارد. با این حال، داده‌ها همچنین الگوی روشنی از همکاری شتاب‌یافته به ویژه از زمان حمله روسیه به اوکراین در سال ۲۰۲۲ را نشان می‌دهند که نشان می‌دهد چگونه این چهار کشور می‌توانند برای به چالش کشیدن ایالات متحده و متحدان و شرکای آن با هم همکاری کنند.

حسین انصاری راد در گفت‌وگو با «آرمان‌ملی»:

دولت را با توجه به

محدودیت‌ها قضاوت کنیم



باید بپذیریم دست‌پزشکیان باز نیست

برخی اصلاح‌طلبی را برای پست و مقام می‌خواستند

باید پزشکیان را با توجه به محدودیت‌هایش قضاوت کرد



گرفت. اگر شرایط پزشکیان را در نظر نگرفت که با چه محدودیت‌های و موانعی مواجه است قضاوت کنیم و سپس علیه وی हमجه کنیم کاری غیرمنصفانه انجام داده‌ایم. اغلب کسانی که علیه پزشکیان हमجه ایجاد می‌کنند نیز در چنین وضعیتی قرار دارند و واقعیت را را نمی‌بینند و یا نمی‌خواهند ببینند». جملات ذکر شده اظهارات حجت‌الاسلام حسین انصاری راد نماینده ادوار مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با «آرمان‌ملی» است. انصاری راد در این گفت‌وگو به مهم‌ترین چالش‌های پیش روی دولت پزشکیان و اصلاح‌طلبی در کشور اشاره می‌کند که در ادامه می‌خوانید.

بودند که پس از مجلس ششم و بعد از رد صلاحیت‌های گسترده افراد متعدد و دلسوز با او هام و تخیلات غیر واقعی در انتخابات مجلس هفتم شرکت کردند و زمینه رصلاحیت‌های استصوابی را در کشور به وجود آوردند. اگر همان زمان به شکل دیگری رفتار می‌کردند این همه افراد شایسته و دلسوز در انتخابات بعدی به دلایل واهی رصلاحیت نمی‌شدند. این وضعیت تا به امروز نیز وجود داشته و دلیل بخش مهمی از مشکلات کشور به خصوص در زمینه مدیریتی بوده است. من در مجلس ششم حضور داشتم و از نزدیک دیدم که برخی اصلاح‌طلبان اشتباهات واضحی در مدیریت کشور انجام می‌دهند. البته این وضعیت درباره اصولگرایان نیز وجود داشت و اصولگرایان در وضعیت موجود سهم مهمی دارند. به هر حال نقش اصولگرایان در شکل‌گیری چالش‌ها و بحران‌های امروز کشور بیشتر بوده اما من در برخی زمینه‌ها اصلاح‌طلبان را نیز مقصر می‌دانم و معتقدم در شکست برخی سیاست‌ها دخالت داشته‌اند.

◀ **در شکست چه سیاست‌هایی نقش داشتند؟**

من هنوز تنها راه نجات کشور را اصلاح‌طلبی می‌دانم اما شاید دیگر برای این موضوع دیر شده باشد. به هر حال اصلاح‌طلبان همواره دیدگاه‌های خود را در مدیریت کشور داشته و به شکل دیگری به مسائل نگاه می‌کردند و دنبال راه‌هایی بودند که اصولگرایان به آن باور نداشتند. در عین حال برخی از اصلاح‌طلبان همواره دنبال پست و مقام بودند و اصلاح‌طلبی را در شرایطی می‌خواستند که برای آنها همراه با پست و مقام باشد. اصلاح‌طلبان در برخی مقاطع دنبال این بودند که صندلی‌های خود را حفظ کنند و در عین حال اصلاح‌طلب نیز باشند. اما این دو در مواقعی با هم سازگاری ندارند و به همین دلیل در پروسه اصلاح‌طلبی اختلال ایجاد شد.

◀ **دیدگاه شما درباره تحركات اخیر آقای روحانی و همجه‌هایی که به ایشان وارد می‌شود چیست؟**

آقای روحانی فرد مطلع و کارآمدی است، اما از برخی جهات با ضعف‌هایی مواجه است. ایشان در چهل سال گذشته در جزئیات امور کشور قرار داشته و به‌رغم اینکه با برخی سیاست‌ها و تصمیمات موافق نبوده اما تلاش کرده خود را با شرایط وفق دهد. نکته مهمی که در این زمینه وجود دارد این است که نباید مدیریت کشور را به افراد و یا یک فرد خاص گره زد. ریشه اصلی مشکلات ایران در تاریخ معاصر این بوده که یک نفر در محور تصمیم‌گیری‌ها قرار داشته و بقیه باید به حرف او گوش می‌دادند. این در حالی است که هدف اصلی نهضت مشروطه و انقلاب اسلامی این بود که دیگر یک نفر برای کشور تصمیم‌گیری نکند. در شرایط کنونی نیز معتقدم نباید به افراد به عنوان یک هدف نگاه کرد. کشور بیش از همیشه نیاز به همگرایی و مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها دارد که در سال‌های اخیر این وضعیت وجود نداشته است. هرچه ما به سمت جلب مشارکت مردم حرکت کنیم و اجازه بدهیم متخصصان دلسوز در تصمیم‌گیری‌ها حضور داشته باشند به سود کشور است.

◀ **آقای پزشکیان در تغییر مدیران آزاد نیست. این وضعیت درباره انتخاب مدیران نیز وجود داشت و ما می‌دانیم که بسیاری از مدیران مورد نظر ایشان، به دلایل مختلف اجازه پیدا نکردند در کابینه حضور داشته باشند**

پزشکیان خود را مجری سیاست‌های کلی می‌داند در حالی که بسیاری از کارشناسان به برخی از سیاست‌های کلی که در چهل سل گذشته وجود داشته انتقاد و اعتراض دارند. به صورت طبیعی هنگامی که پزشکیان در این چارچوب عمل می‌کند، جای اعتراض نیز وجود دارد و باید منتظر ریزش پایگاه اجتماعی خود باشد. قضاوت درباره اشخاص باید با توجه به شرایطی باشد که وی در آن قرار دارد. به همین دلیل نباید درباره آقای پزشکیان به صورت مطلق قضاوت کرد و بلکه باید محدودیت‌هایی را که پیرامون وی قرار دارد و کم هم نیست، در نظر گرفت. اگر شرایط پزشکیان را در نظر نگرفت که با چه محدودیت‌های و موانعی مواجه است قضاوت کنیم و سپس علیه وی हमجه کنیم کاری غیرمنصفانه انجام داده‌ایم. اغلب کسانی که علیه پزشکیان हमجه ایجاد می‌کنند نیز در چنین وضعیتی قرار دارند و واقعیت را را نمی‌بینند و یا نمی‌خواهند ببینند.

◀ **رابطه پزشکیان با جریان اصلاحات قطع شده است؟ اصلاح‌طلبان در کجای بازی دولت پزشکیان قرار دارند؟**

واقعیت این است که اصلاح‌طلبان اشتباهات بزرگی انجام داده‌اند. من اصلاح‌طلب هستم و چهل سال است با اصلاح‌طلبان کار کرده‌ام و دوازده سال در مجلس بوده‌ام. در مجلس ششم هم به عنوان رئیس کمیسیون اصل ۹۰ با اصلاح‌طلبان و اصولگرایان کار کرده‌ام. من بخشی از شکست سیاست‌های کشور را در دهه‌های گذشته مرتبط با عملکرد اصلاح‌طلبان می‌دانم و معتقدم اصلاح‌طلبان نیز در به وجود آمدن وضعیت کنونی نقش داشته‌اند. این اصلاح‌طلبان

◀ **سهم اصولگرایان در شکل‌گیری چالش‌ها و بحران‌های امروز کشور بیشتر بوده اما من در برخی زمینه‌ها اصلاح‌طلبان را نیز مقصر می‌دانم و معتقدم در شکست برخی سیاست‌ها دخالت داشته‌اند**

غلامعلی جعفرزاده‌ایمن آبادی:

تندروها برای بازگشت به قدرت

زندگی مردم را گروگان گرفته‌اند

دهد تا جامعه آرام شود. ایمن آبادی افزود: «اکنون مشکلات آن قدر انباشته شده که مردم از بسیاری از این تنش‌ها عبور کرده‌اند. دلیخو بودند. مردم انتظار دارند دولت حل شود. مسئله رفع فیلترینگ نمونه‌ای روشن است؛ دولت می‌خواهد اقدام کند، اما مانع‌تراشی می‌کنند تا مردم بگویند چرا این دولت نتوانست. وی با تأکید بر اینکه «تمام این کارشکنی‌ها برای رسیدن دوباره به قدرت انجام می‌شود»، تصریح کرد: «تقریباً با ضرس قاطع می‌توان گفت تندروها با یک روحیه قلابی، بحران‌سازی را بازار بازگشت به قدرت کرده‌اند.

بداند مردم از رؤسای جمهوری که وعده می‌دادند و بعد با همان کسانی که به مردم سختی تحمیل می‌کردند کنار می‌آمدند، دلیخو بودند. مردم انتظار دارند دولت چهاردهم با مردم رفاقت کند، به هواداران و ستاد‌هایش احترام بگذارد و در برابر فشارها کوتاه نیاید. این چهره سیاسی با بیان اینکه «برخورد‌های تندروها در گذشته نیز نمونه دارد»، اظهار کرد: حتی احمدی‌نژاد هم که برخورد‌های تند داشت، در بزنگاه‌هایی تحت فشار همین گروه قرار می‌گرفت. امروز نیز همان جریان با مانع‌تراشی‌های مداوم نمی‌خواهد اجازه دهد دولت کاری انجام

عمل کند تا در انتخابات بعدی بتوانند خود را برنده نشان دهند. برای آنها مهم نیست چه بر سر مردم می‌آید؛ مهم این است که دوباره به صندلی قدرت برسند. ایمن آبادی ادامه داد: تندروهای ایران را می‌توان با شاهزاده قلابی خارج‌نشین مقایسه کرد؛ همان‌هایی که حاضرند هزاران نفر در جنگ‌ها کشته شوند تا بقاء خود دست به هر اقدامی می‌زنند. این چهره سیاسی با تأکید بر اینکه «تندروها حتی سر مردم بیایند، اما خودشان دوباره قدرت را در دست بگیرند. وی با اشاره به ناکامی‌های گذشته برخی رؤسای جمهوری و انتظار مردم برای اصلاح امور افزود: «آقای پزشکیان باید

یک نماینده ادوار مجلس با بیان اینکه بخش مهمی از وعده‌ها و برنامه‌هایی که باید در دولت اجرا می‌شد، به دلیل کارشکنی‌های یک جریان مشخص روی زمین مانده اظهار داشت: این افراد سال‌ها عمر و جوانی مردم را گرفتند، کشور را در مسیر بحران‌های متعدد قرار دادند و امروز نیز همچنان برای حفظ بقاء خود دست به هر اقدامی می‌زنند. این چهره سیاسی با تأکید بر اینکه «تندروها حتی از افزایش نارضایتی عمومی برای رسیدن دوباره به قدرت ابایی ندارند»، اظهار کرد: «این جریان می‌خواهد آقای پزشکیان ناخواسته در جهت نارضایتی بیشتر جامعه



محمد آخوند پور امیری
پژوهشگر مسائل ایران

چنانچه تاریخ توسعه محور ممالک پیشرفته را با خود مرور کنیم، از دل تمامی دریافت‌های معرفتی که بر ذهن آدمی حادث می‌گردد، به یک امر به غایت مهم و ضروری پی خواهیم برد. این مسئله که پیگیری هر وضعیتی از توسعه، در هر کرانه سرزمینی، نیازمند طرح ریزی مدل‌های علمی-عقلانی است که توسط نخبگان، دانشمندان و صاحبان ایده‌های ناب طرح ریزی شده باشد، موضوعی است که هر عقل سلیمی بر آن صحه خواهد گذاشت. به عبارت دیگر، با ذهنیتی کارکرگرایانه به این واقعیت پی خواهیم برد که پیگیری عملی هرگونه برنامه توسعه‌ای، بدون طرح و نقشه پیشینی و علمی، اساساً غیر ممکن است. زمانی که از توسعه سخن می‌گوییم، هم در دایره مفهومی و هم در دامنه تحت پوشش آن، با وسعت بیکرانی از مفاهیم، الزامات و رویکردها مواجه خواهیم شد. به این اعتبار، وسعت همین مسائل مرتبط با امر توسعه، اهمیت بالایی آن را به مایادآور خواهد شد. اساساً پرداختن به چنین مقوله‌ای (با چنین دایره وسیعی) برآمده از انبانی از تجربیات رو به شکست و پیروزی ملل توسعه یافته و دولت‌های متکثر در سرزمین‌های متعدد است. تجربه‌ای ارزشمند که می‌تواند چراغ راهی برای هر ساختار سیاست‌گذاری در ایران باشد که اراده‌ای جدی برای گذار از وضعیتی پیشامدرن، به وضعیتی مدرن و نوسازانه در خود دارد. اما بررسی انتقادی وضعیت سیاسی-اجتماعی معاصر ایران عیان می‌سازد که در درجه اول، مشکل توسعه در ایران (برخلاف ادعای برخی از محققین)، در بازگویی مدل‌های خاص توسعه‌ای نبوده و نیست. به اعتقاد نگارنده سخن، اینکه ما بر اساس مدل توسعه لیبرال-دموکراسی، سازه‌های چشم‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی خود را بنا سازیم و یا مدل سوسیال دموکراسی را مطلوب‌ترین طرح و ایده برای توسعه بدانیم و یا بهره‌گیری از مدلی بومی شده برای امر توسعه را در جهت برون رفت از وضعیت بحرانی کنونی تجویز نماییم، همگی جدل‌هایی مرتبط با مرحله بعد از یک تصمیم سرنوشت‌ساز است. این تصمیم سرنوشت‌ساز می‌توان در یک لغت پردازش کرد و آن لغت «اراده» ساختارهای قدرت برای نیل به امر توسعه است. زمانی که پاسخ ما به این سوال، مثبت باشد تازه اولین قدم را به خوبی برداشته ایم. قدم دوم در این مسیر در راستای پیوندی بسیار ضروری صورتبندی می‌شود. پیوند میان علم و عمل و یا به عبارت دیگر، پیوند میان تصمیم گیرندگان دستگاه سیاست‌گذاری و نخبگان دانشگاهی. نقطه توقف بحث حاضر دقیقاً اینجا است؛ لحظه‌ای توقف بر وضعیت جاری کشورمان نشان می‌دهد که یکی از باگ‌های بزرگ توسعه نیافتگی ما در یکصد ساله اخیر، دقیقاً از گسست میان علم و عمل ریشه می‌گیرد. کافی است که به آمار مهاجرت و سرخوردگی نخبگان و موانع نخبگان برای ورود به چرخه سیاست‌گذاری و اثرگذاری در این سیستم به غایت با اهمیت نگاهی بیندازیم. مشاهده خواهیم کرد که منفعت طلبان متصلب، آنچنان بر جای جای این سیستم، دیواره‌هایی پتنی از امنیت و بی‌خردی افراشته‌اند که اجازه ورود نخبگان خوشفکر دانشگاهی را به حوزه‌های تصمیم‌دهی در بدنه تصمیم‌ساز و اجرایی کشور نمی‌دهند. این وضعیت بغرنج را در کنار خروجی‌های هرساله تحصیل‌کردگان از نظام دانشگاهی قرار دهید. آمار فارغ التحصیلان بیکار، خود معضل دیگری است که می‌توان پیرامونش ساعت‌ها گفت‌وگو نشست؛ اما مسئله مهم در وضعیت جاری، عدم ارتباط میان دستگاه معرفت‌ساز دانشگاهی، با سازه‌های تصمیم‌ساز دستگاه قدرت و سیاست در کشور است. انفصال، گسست و گپ میان این دو نهاد، بحران‌های همچون تداوم وضعیت پیشامدرن در بدنه سیاست‌گذاری کشور، تصلب ساختارها در برابر هرگونه تغییر الزامی، عدم امکان تجلی افکار نوآورانه در جهت بهبود کارکرد سیستم، فساد و ده‌ها معضل دیگر را برای ساختارها به همراه داشته است. از سوی دیگر تداوم چنین وضعیتی سرخوردگی، بی‌انگیزگی، سلب مهاجرت، انباشتنی نارضایتی و بحران‌های فردی، اجتماعی، اقتصادی و معیشتی را متوجه نخبگان تحصیل کرده دانشگاهی نموده است. نتیجه آنکه گسست میان اصحاب علم و عمل، عینیت خود را صرفاً در تداوم وضعیت پیشامدرنیت ساختارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نظام تصمیم‌ساز کشور نمایان نخواهد ساخت. تداوم چنین وضعیتی، به برآورده شدن نیازها و خواست جامعه‌ای تحول یافته (متاثر از رشد روزافزون آگاهی‌های اجتماعی) منجر خواهد شد که در درازمدت، انباشتنی مطالبات محقق نشده آنها، می‌تواند ده‌ها و شاید صدها بحران را در عرصه‌های گوناگون ایجاد کند. به همین منظور تسری توسعه نیافتگی (در زیر سایه فاصله میان نخبگان علمی و عملی)، فصلی از التهاب و آشفتنگی را در سپهر سیاسی کشور رقم خواهد زد که موجی از نگرانی را برای تمامی دلسوزان کشور به ارمان خواهد آورد. بنابراین با توجه به ضرورت اعتناء به بهره‌گیری از ظرفیت نظام دانشگاهی در جهت برون رفت از بحران‌ها، تدارک اراده‌ای سترگ در جهت اصلاح ساختارها از اولویتی غیر قابل کتمان برخوردار است.